خراسان بزرگ:سال دوم،شماره(۳)، تابستان ۱۳۹۰
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.2, No. 3, Summer 2010

انــرژی و توسعه
در اوراسیــای مرکزی و کاسپین[1]

محمدتقی رضویان[2]

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۳/۳۰

چکیــده

سؤال ۱– آیا غلبه بر بحران اقتصادی که از سال ۲۰۰۸ آغاز شده و همچنان اکثر کشورهای صـنعتی را به طور فرسایندهای تحت تاثیر قرار داده، بدون دسترسی به منابع انرژی ارزان امکـانپـذیر اسـت؟ سؤال ۲– آیا رشد اقتصادی بدون وقفه و صنعتگرایی شتابان در اقتصـادهای درحـالظهـور (چـین، هند، روسیه...)بدون دستیابی به منابع سوختی فسیلی آسیای مرکـزی تـداوم خواهـد داشـت؟ پاسـخ کوتاه به این دو سؤال "نه" است، زیرا تداوم رشد، بقای جوامع صـنعتی و گسـترش جایگـاه جهـانی کشورها وابسته به دینامیسم اقتصادی و نوآوری تکنولوژیکی است که این امـر بـدون دسترسـی بـه مواد اولیه و منابع انرژی غیرممکن میباشد. به این دلیل است که پـس از فروپاشـی اتحـاد جمـاهیر شوروی و بهویژه از آغاز قرن بیست و یکم، ذخایر گستردهی نفت و گاز در منطقـهی کاسـپین (نـام صحیح دریای شمال ایران) تبدیل به موضوعی حساس در آخرین مرحله از "بازی بزرگ" (Great Game) شده است.

کلیــد واژهها:

دریای کاسپین، اوراسیای مرکزی، انرژی، بازی بزرگ، جنگ سرد جدید

---

[1] نگارنده در این مقاله، همچون نوشتارهای قبلی و تدریس در دانشگاه، بر استفاده از نام صـحیح دریـای کاسـپین (قـزوین) بـرای نامیدن دریای شمال ایران و عدم استفاده از واژهی مجعول "خزر" (قومی وحشی از دشمنان ایرانزمین و منقرضشده) تأکید دارد. واژه های دیگر همچون دریای طبرستان (مازندران) نیز نمیتواند نشاندهنده گسترهی جغرافیایی این دریا باشد، چه ساحل جنـوبی دریا بر سه استان گلستان ، مازندران و گیلان به طور مستقیم وچندین استان ماوراء البرز، به طور غیر مستقیم پهنه گسترانده است. پس در حالیکه تمامی ملتها و کشورها، از زمان هردوت تا امروز، این دریا را با نام اصیل پارسی آن "کاسپین" می نامیده اند چرا ما ایرانیان اصرار بر نامگذاری آن به نام یکی از دشمنان تاریخ خود داریم؟

[2] دانشیار دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی

مقدمــه

تــداوم "بــازی بزرگ": ذخایر ســوخت‌های فــسیلی در منطقـــه‌ی کاســپین و آسیـــــای مــرکزی[۱]

در پایان نخستین دهه‌ی قرن بیست ویکم، ژئوپولیتیک نوین جهانی با چهار عامل:
کاهش هژمونی قدرت نظامی تک‌قطبی (امریکا/ناتو)
افزایش قدرت مناطق فرهنگی (اسلام ...)
سه قطبی شدن اقتصاد جهانی (امریکای شمالی، اتحادیه‌ی اروپا، آسیای شرقی/جنوبی)
ظهور اقتصادهای در حال خیزش (برزیل، ترکیه، روسیه ...)
روبه‌رو شده است. همزمان، رقابت در دستیابی به منابع سوختی به دلایلی همچون کاهش حجم ذخایر، تمرکز جغرافیـایی، افـزایش تقاضـاهای داخلـی و وابسـتگی بـه واردات گسـترش‌یافتـه و سیاست‌های انرژی و توسعه روابط خارجی کشورها را به‌اجبار به سـمت تـأمین منـابع سـوق داده است. امروزه، برنامه‌ریزی سیاسی قدرت‌های بزرگ در حول محور "دسترسی بـه منـابع انـرژی" می‌چرخد.

جنگ‌های افغانستان و عراق موجب شد تا مرزهای نظامی امریکا و حوزه‌ی ژئوپولیتیـک آن از جنوب اروپا به خاورمیانه و حوضه های غنی کاسپین گسـترش یابـد. در ایـن حوضـه، اسـتراتژی امریکا بر مبنای قطع نفوذ روسیه، اروپا و چین طراحی شده است. حضور دراز مدت نظامی امریکـا در منطقه‌ی کاسپین دروازه‌های امکانـات کشـورهای اطـراف ایـن دریـا را بـر روی بازرگانـان و سازمان‌های غیر دولتی امریکایی گشوده است. این امر به نوبه‌ی خـود بـه امریکـا ایـن قـدرت را خواهد داد که به تغییر شکل سازمان‌های اجتماعی منطقه بپردازد و کنترل ذخایر نفت و گاز را بـه دست گیرد. در مرحله‌ی بعد کنترل ذخایر سوختی به این ابرقدرت امکان مـی‌دهـد کـه توسـعه‌ی اقتصادی و تکنولوژیکی رقبایی همچون روسیه و چین را به طور غیرمستقیم تحت کنترل درآورد.

---

[۱] اصل این مقاله ترجمه و اقتباسی از: Xuetang Guo & Mehdi P. Amineh, “The Great Game Continued”, International Institute for Asian Studies Newsletter, 45, Autumn 2007, Leiden, The Netherlands. بوده است که با تغییرات کلی، در این‌جا به چاپ می‌رسد.

هـدف "بـازی بـزرگ"

کشورهای حوضه‌ی کاسپین(آذربایجان، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و روسـیه) بـیش از ۴۵٪ ذخایر گاز و ۱۰٪ ذخایر نفت جهان را در خود جای داده انـد. ایـن حجـم عظـیم و درعـین‌حـال متمرکز ثروت، این منطقه و درواقع سراسر اوراسیای مرکزی را تبدیل بـه نقطـه‌ای بـرای تلاقـی منافع کشورها، رقابت شرکت‌های بین‌المللی و دخالت دولت‌های منطقه و خارج از آن کرده است.

به استثناء روسیه و ایران، منطقه‌ی یادشده به طور کامل در قلمرو امنیتی-نظامی هـیچ‌یـک از قدرت‌های بزرگ قرار ندارد و بنابراین هیچ تضمینی برای یک حوزه‌ی نفوذ توافق‌شده و با ثبـات وجود ندارد. بازیگران دولتی و غیردولتی فرامنطقه‌ای از طریق جلب حمایت و دوستی گـروه‌هـای داخل منطقه ای سعی در اعمال قدرت و گسترش نفوذ خود می کنند. با توجه به ماتریس پیچیده نیروهای اجتماعی، دو مسئله رقابت و همکاری تبدیل به بخشی از زنـدگی سیاسـی — اقتصـادی جاری در منطقه شده است. عدم اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی بودن وقایع و جریان‌ها تبـدیل بـه قانون بازی شده است. ار آن‌جا که تقریبا تمامی قدرت‌های بزرگ بـه نحـوی در منطقـه فعالیـت دارند و سیستم‌های حکومتی چندان استوار نیستند، رقابت در این منطقه دارای ظرفیت ایجاد بی-ثباتی در تمامی سیستم جهانی است. برای مثال، چین مجبور به دستیابی بـه منـابع حوضـه‌ی - کاسپین برای تأمین انرژی خود در آینده است. این امر مطمئنـا ایـن‌کشـور را در رقابـت، اگـر نـه مقابله، با امریکا قرار می‌دهد. در دهه‌های اخیر، به این غیر مستقیم تحت کنترل درآورد.

اقتصاد چین با نرخی بسیار فراتر از متوسط جهانی رشد داشت و در سال ۲۰۱۰ بـا پشـت سـر گذاشتن ژاپن به دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان تبدیل شد. ایـن امـر چـین را بـه طـور روز افزون به واردات سوخت‌های فسیلی وابسته کرده‌است. درعین‌حال تولید نفت در امریکا به صورتی است که در صورت قطع واردات، هیچ‌گونه ظرفیت اضافی برای ارائه بـه هـم‌پیمانـان اروپـائی یـا آسیائی خود نخواهد داشت. هر دو قدرت خواستار حضور در منطقه ای غنی از ذخایر سوخت‌هـای فسیلی اند که به‌طورسنتی حیاط خلوت روسیه بوده است.

سیــاستهای خطوط انتقال انــرژی

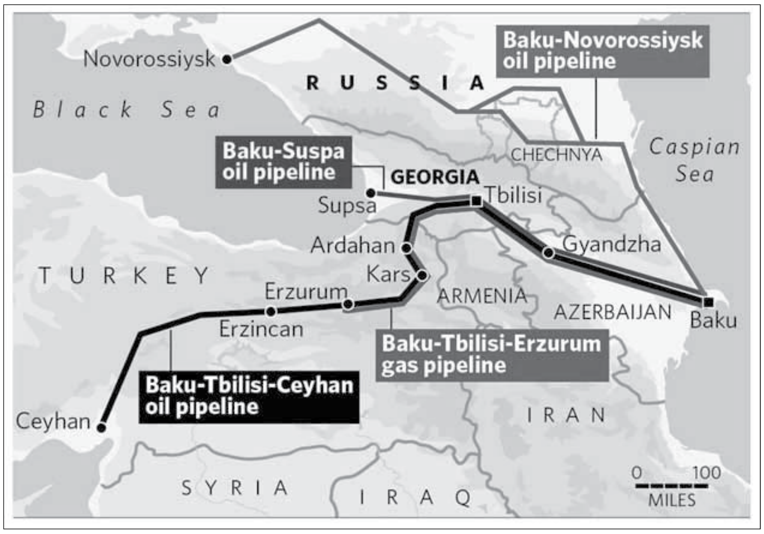
مانع اصلی در راه گسترش نقش امریکا در منطقه کاسپین نفوذ روسیه و قـدرت کنترلـی ایـن کشور بر مسیرها و خطوط انتقال نفت و گاز به اتحادیه‌ی اروپا است.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، آمریکا نقش اساسـی در تعیـین خـط لولـه بـاکو – تفلـیس – جیهـان (BTC) بازی کرد. این خط لوله با پشتیبانی کامل کلینتون، رئیس جمهور وقت امریکا، در سـال ۲۰۰۲ توسط یک کنسرسیوم بین المللی که در آن شرکت‌های نفتی بریتانیا و امریکا سهم اساسی داشتند، ساخته شد. BTC امروزه تبدیل به یک کریدور اصلی شرقی–غربی بـرای انتقـال انـرژی شده است. هدف اصلی احداث این خط لوله دور زدن ایـران و روسـیه در انتقـال نفـت حوضـه‌ی کاسپین به اتحادیه‌ی اروپا و کاهش نفوذ این دو کشور بود. نفت آذربایجان در مـاه مـی ۲۰۰۵ از درون خط لوله جدید به سمت بندر جیهان در ساحل مدیترانه و در نزدیکی پایگاه بـزرگ نظـامی امریکا در اینجرلیک ترکیه جریان یافت[1].

در پاسخ به این اقدام و جریان نفت در BTC ، روسیه در کنفرانس سران در عشق‌آباد در مـاه می ۲۰۰۷ چند قرارداد برای احداث خطوط لوله جدید انتقال گاز از درون خاک خـود امضـا نمـود. این قراردادها مشتمل بر احداث خط لوله گاز ساحل کاسپین از شرق ترکمنستان، یـک خـط لولـه موازی از قزاقستان و بازسازی و توسعه خط لوله مرکزی آسیای میانه از ترکمنسـتان و ازبکسـتان بود. این قراردادها از طریق افزایش کنترل روسیه بر صادرات انرژی و رقابت با خطوط رقیب، نفوذ سیاسی منطقه ای آن را تقویت خواهد نمود.[2]

---

[1] en.wikipedia.org/wiki/Baku–Tbilisi–Ceyhan_pipeline
www.sourcewatch.org/index.php?title=Baku.Ceyhan_(BTC)_pipeline
[2] http://eurodialogue.org/Caspian-Pipelines-Map



چین نیز به دلایلی همچون وابستگی شدید به نفت خاورمیانه و عدم کنترل بر بازار و عوامل استراتژیک، به عنصری فعال در مکان‌یابی و احداث خطوط لوله در منطقه‌ی کاسپین تبدیل شده است. این کشور در حال حاضر ۶۰٪ نفت مورد نیاز خود را از خاورمیانه تامین می کند. ناثباتی های سیاسی در این منطقه و تحریم ایران، به عنوان یکی از صادرکنندگان عمده ی‌نفت، همراه با امکان برخورد با امریکا بر سر مسئله تایوان، موجب نگرانی چین است؛ زیرا این کشور در حال حاضر توانایی کافی برای حمایت از حمل نفت و گاز در مسیرهای طولانی دریایی به‌ویژه در گلوگاه‌هایی همچون تنگه هرمز و مالاکارا دارا نیست . به عبارت دیگر، چین از محاصره‌ی دریایی امریکا بر کشتی های نفتکش از خاورمیانه در صورت بروز بحران بیمناک است.

بر این اساس، ایجاد تنوع در تأمین سوخت مورد نیاز (و رو به افزایش) مانند خرید و انتقال نفت اوراسیای مرکزی از طریق خطوط زمینی به عنوان آلترناتیوی جذاب مورد توجه چینی ها قرار گرفته است. بر این اساس، در اواخر سال ۲۰۰۶، چین و قزاقستان در مورد ساخت دومین بخش از خط لوله‌ی نفتی Atasu-Alashankou توافق کردند. همچنین ترکمنستان با منابع عظیم گاز طبیعی، در مورد ایجاد خط لوله‌ی انتقال گاز به چین از درون سرزمین قزاقستان موافقت کرد[1].

[1] http://www.neurope.eu/articles/AtasuAlashankou-oil-pipeline-wraps-up/55897.php

Kazakhstan-China natural gas pipeline (KCP)



www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=9907

بــازی چینــی

حضور چین به عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه‌ی اوراسیای مرکزی و کشورهای حوضــه‌ی کاسپین، به ویژه در قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان، موجب نگرانی امریکایی‌ها شده اســت. نـا آرامی های سیاسی دو سال گذشته در منطقه و رقابت ژئوپولیتیک انرژی که آن‌هـا آغـاز نمودنـد، روسیه و چین را وادار به همکاری های مشترک استراتژیک منطقه‌ای کرده است که مهم‌ترین آن سازمان همکاری شانگهای (SCO) است. رهبری این سازمان بـا چـین و روسـیه و اعضـای آن شامل قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و چهار عضو ناظر (مغولستان، ایران، پاکستان و هندوستان) می باشد. در چارچوب SCO، همکاری های انـرژی دوجانبـه و چنـدجانبـه نقشـی اساسی در مقابله با سیاست‌های امریکا در منطقه خواهد داشت. درعین‌حال، برنامه‌ی امریکا برای ایجاد سیستم‌های دفاع موشکی منجر به نزدیکی بیشتر روسیه و چین در محدوده‌ی SCO شـده است.

بدون تردید، ثبات سیاسی و توسعه‌ی اقتصادی در منطقه‌ی کاسـپین و اوراسـیای مرکـزی در جهت منافع درازمدت چین خواهد بود. این کشور دارای ۳۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان و ۴۳۰۰ کیلومتر مرز با روسیه است. در گذشته ای نه چنـدان دور، چـین با هر چهار کشور اختلافات مرزی داشت که حتی می توانست منجـر بـه تحریـک جنـبش‌هـای جدایی طلبانه در منطقه خودمختار سین کیانگ اویقور شود و امنیت داخلی چین را به خطر اندازد.

با امضای قرارداد تعمیـق اعتمـاد نظـامی در منـاطق مـرزی (Agreement on Deepening Military Trust in Border Regions) در سـال ۱۹۹۶ در چـارچوب سـازمان همکـاری شانگهای، به عنوان اولین قرارداد امنیتی چندجانبه و چندین قرارداد دوجانبه و چندجانبه دیگـر در واپسین سال‌های قرن بیستم، مشکلات مرزی حل شد[1]. به‌علاوه، از زمان برقراری روابط گسترده سیاسی، روابط اقتصادی چین نیز با این کشورها بسیار افـزایش یافـت. از سـال ۱۹۹۲ تـا ۲۰۰۵، حجم تجارت دوجانبه میان چین و پنج کشور آسیای مرکزی از رقـم ۴۵۹ میلیـون دلار بـه ۸/۷۳ میلیلرد دلار رسید. همزمان، همکاری های چندجانبه نیز از زمان برگزاری کنفرانس‌سـران SCO در ۲۰۰۶ در شانگهای کاملا فعال بوده است. در این کنفرانس ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور وقت روسیه، طرح ایجاد یک باشگاه انرژی رابرای گسترش حمل و نقل سوخت‌های فسیلی و همکاری های ارتباطی و اطلاعاتی مطرح نمود. به‌هرحال، حضور چین در بازار انرژی منطقه‌ی کاسپین، چه در چارچوب قراردادهای چندجانبه و چه توافقات دوجانبه، رو به گسترش است. این امـر مایـه‌ی - نگرانی عمیق امریکا است.

مثلث جـویندگان نفت : روسیـه ، چین و امریکا؛ آینـده روابط

افزایش مستمر تقاضای استراتژیک چین و سیاست‌های این کشور موجب هشدار امریکا شـده است. چهار عامل اصلی تعیین‌کننده‌ی ماهیت روابط چین و امریکا در رابطه با منطقه‌ی اوراسـیای مرکزی و کاسپین است:

نقش چین در پیمان شانگهای در ده‌سال آینده. چین گسترش روابط خود با منطقـه را مـدیون افزایش همکاری های نظـامی، سیاسـی و اقتصـادی در میـان اعضـای SCO مـی‌دانـد. پیمـان شانگهای چه به عنوان یک پیمان منطقه ای و چه به عنوان نیروی ایجاد توازن بین‌المللی نقـش انکارناپذیر چین را عرضه می کند. هر چند عدم اطمینـان از وجـود یکپـارچگی اعضـا در صـورت مواجهه با چالش امریکا، می‌تواند نفوذ ژئوپولیتیک چین را تحت تأثیر قرار دهد.

همکاری انرژی چین با کشورهای اوراسیا و کاسپین. اگر همکـاری هـای دوجانبـه و چنـد جانبـه انرژی سرعت بیشتری بگیرد، کشور امریکا که در حال حاضر نگرانی خود را ابراز داشـته، ممکـن است عکس‌العمل شدیدتری نشان دهد.

[1] www.globalsecurity.org/military/world/int/sco

روسیه چگونه از حیاط خلوت خود در مقابل نفوذ سایر قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه امریکا و چین، دفاع خواهد کرد؟ سیاست دفاعی جاری روسیه در منطقه، همچون سیاست اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد، استفاده از چین برای ایجاد توازن و برخورد با سیاسـت تهـاجمی امریکـا در استراتژی نبرد با تروریسم است. عدم اطمینان از پایـداری چنـین روابـط سـه‌جانبـه نـه تنهـا بـر استراتژی همکاری درازمدت میان چین و روسیه اثر می‌گذارد، بلکه ژئوپولیتیـک آینـده‌ی روابـط میان چین و امریکا را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

چهارمین عامل حضور نظامی امریکا/نـاتو در منطقـه و پیامـدهای ژئوپولیتیـک آن اسـت. در حالی‌که نفوذ یک‌جانبه امریکا منجر به بحران و بـی‌ثبـاتی در منطقـه شـده، روابـط دوجانبـه یـا چندجانبه در پی گسترش روابط چندقطبی و ایجاد توازن از طریق همکاری بـا کشـورهای عضـو SCO است. آنچه امروز مشهود است این‌است‌که حضور نظامی امریکـا منجـر بـه واکـنش‌هـای مختلف از طرف روسیه، چین و سایر کشورهای منطقه شده و حتـی در مـوارد متعـدد منتهـی بـه افزایش خواسته ها برای خروج از منطقه گردیده است.

آغـاز یک جنگ سرد جدید

امروزه، نفت و گاز منبع اصلی تأمین انرژی جهانی را تشکیل میدهد. این ذخـایر سرچشـمه‌ی ثروت و قدرت دارندگان آن بوده و ظرفیت لازم رابرای اعمال قدرت نظامی در منـاطق دارنـده‌ی آن فراهم می‌سازد. ذخایر مزبور به سرعت در حال تحلیل رفتن است و اکتشافات جدید چشم‌انداز روشنی عرضه نمی‌دارد. مصرف‌کنندگان عمـده‌ی نفـت بـرای ارضـای نیازهـای نفتـی خـود بـه طورمستمر باید سیاست‌های فعال‌تری در کشورهای نفت‌خیز ارائه کنند و حتی دخالـت نظـامی را در جهت ضمانت از جریان نفت مورد نظر داشته باشند. صادرات نفت در هر لحظه می‌تواند با مانع روبه‌رو شود. این امر اثرات شگرفی بر صلح و امنیت جهانی می‌گذارد.

در این بازی بزرگ جدید، هر یک از قدرت‌های جهانی – امریکا، روسیه، چین– از یک پـروژه ی نفتی جدید (اکتشاف یا خط لوله) پشتیبانی می‌کند و به دنبال جذب دولت‌های منطقه در مـدار قدرت خویش است. ار آن‌جا که هنوز به روشنی معلوم نیسـت کـه آیـا ایـن قـدرت‌هـای بـزرگ یکدیگر را به چشم *رقیب* یا *متحد* می بینند، بسیاری از تحلیلگران از پیـدایش زمینـه هـای یـک جنگ سرد جدید سخن می‌گویند. امریکا قادر است اهرم های سیاسی، اقتصادی و احتمـالا نظـر نظامی قادر به رقابت با امریکا نیست، سعی خواهد کرد از درگیری مستقیم با این کشـور اجتنـاب

ورزیده، و برای دفاع از منافع منطقه ای خود با نیروهای محلـی متحـد گـردد. روسـیه، همزمـان، ممکن است برای دفاع از حیاط خلوت خود و مقابله با چالش‌هـای ژئوپولیتیـک امریکـا، بـا چـین همکاری بیشتری داشته باشد.[۱]

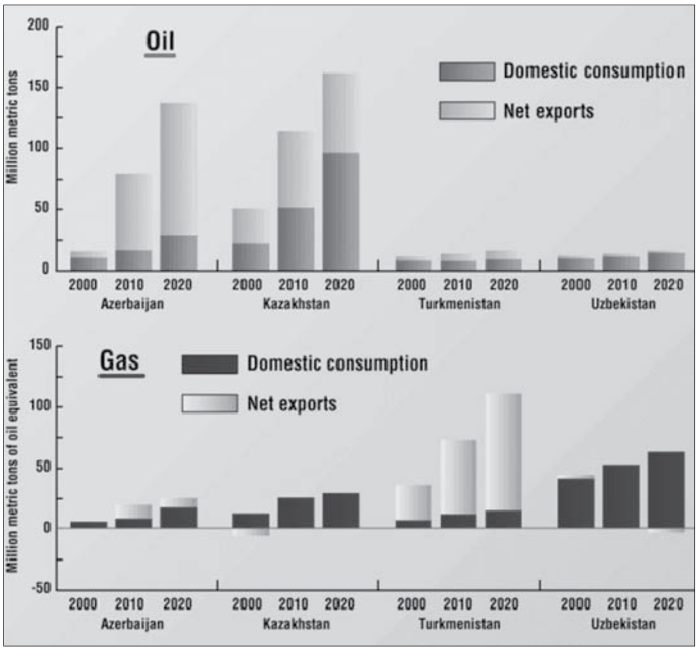
آنچه مسلم است جدا ماندن هر یک از سه قدرت در مقابـل اتحـاد دو قـدرت دیگـر کـابوس وحشتناکی است که‌این سه کشور سعی می‌کنند دچار آن نشوند. برای جهان نیز کابوس اصلی بـر خورد مستقیم میان هر یک از این قدرت‌ها است.

[1] www.eurasiareview.com/caspian-sea-energy-geopolitics-litmus-test-for-u-s-russia-china-control-of-eurasia-09012010

نتیجه‌گیـری

در پایان، میتوان گفت هر یک از قدرت های بزرگ به این نتیجه رسیده اسـت کـه درگیـری مستقیم آخرین راه‌حلی خواهد بود که باید به آن متوسل شود. جنگ‌های دهه‌ی اول قرن بیست و یکم و تحمیل هزینه ای بیش از یک تریلیون دلار بر اقتصاد جهانی، این قدرت هـا را بـه سـمت سرمایه‌گذاری اقتصادی در جهت توسعه منابع و بهره‌برداری از ذخایر انرژی و تزریق سود حاصـله به اقتصاد جهانی سوق داده است. منطقه ی‌کاسپین، بی‌تردید، یکی از بهتـرین گزینـه هـا بـرای افزایش سرمایه‌گذاری ها خواهد بود.

توسعه منابع نفت و گاز در چهار کشور این منطقه در نمودار زیر که توسط آژانس بـین‌المللـی انرژی تهیه شده، نشان داده شده، است.[1]



[1] Oil & Gas Journal / Volume 97, Issue 9 (http://www.ogj.com/index/article-display/22643/articles/oil-gas-journal/volume-97/issue-9/oil-prices-squeeze-caspian-sea projects.html

فهرست منابع

Xuetang Guo & Mehdi P. Amineh, "The Great Game Continued", International Institute for Asian Studies Newsletter, 45, Autumn 2007, Leiden, The Netherlands.
myweb.tiscali.co.uk/kenanderson/histemp/thegreatgame
http://www.chathamhouse.org.uk/central_asia_energy/-/section/agenda/
prairiepundit.blogspot.com/.../Russia's-pipeline-policy-by-other-means
en.wikipedia.org/wiki/Baku–Tbilisi–Ceyhan pipeline
www.sourcewatch.org/index.php?title=Baku.Ceyhan (BTC)_pipeline
http://eurodialogue.org/Caspian-Pipelines-Map
http://www.neurope.eu/articles/AtasuAlashankou-oil-pipeline-wraps-up/ 55897.php
http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=9907
www.globalsecurity.org/military/world/int/sco
www.eurasiareview.com/caspian-sea-energy-geopolitics-litmus-test-for-us-russia-china-control-of-eurasia-09012010/
http://wwwlocal.bakerinstitute.org/programs/energyforum/publications/docs/Jaffe_CaspianWishList.
http://www.ogj.com/index/article-display/22643/articles/oil-gas-journal/ volume-97/issue-9/ oil-prices-squeeze-caspian-sea projects.html)
International Energy Agency